

خانواده متعادل، مدرسه مطلوب

به مناسبت روز گرامیداشت خانواده، بر آن شدیم تا با تشکیل میزگردی تحت عنوان «خانواده متعادل، مدرسه مطلوب»، به بررسی ویژگی‌های خانواده متعادل و نیز رابطه آن با مدرسه مطلوب پردازیم. امیدواریم مطالب مطرح شده توسط صاحب‌نظرانی که در این میزگرد شرکت داشته‌اند، مورد استفاده اولیا و مربیان ارجمند قرار گیرد.

تدوین کننده: سهیلا آقایی

شرکت کنندگان در میزگرد:

- ◀ آقای دکتر حسن آموزگار
- ◀ آقای دکتر محسن ایمانی
- ◀ خانم دکتر سوسن کشاورز
- ◀ خانم دکتر فریال آمار



تعریف خانواده متعادل

دکتر ایمانی:

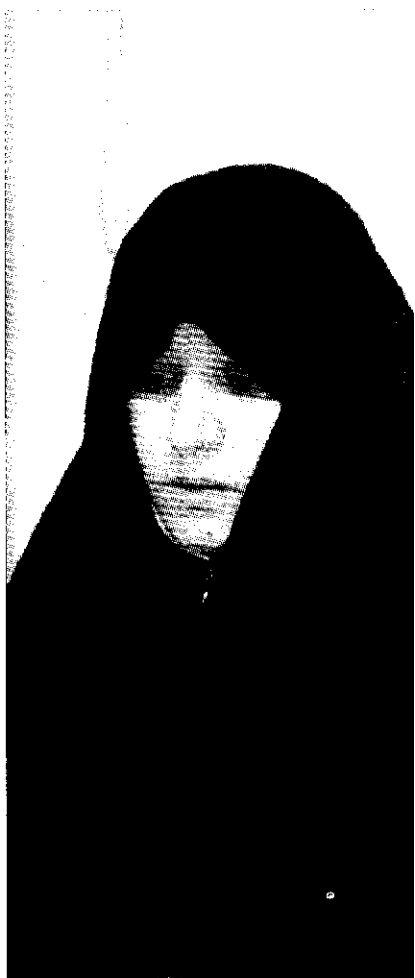
(و جعلناکم امّة وسطا). بدیهی است که تعادل فرهنگی، فلسفی، اخلاقی و معنوی در خانواده نیز بازتاب دارد.

دکتر کشاورز:

به‌عنوان مقدمه بحث باید عرض کنم که ساختار خانواده از افرادی شامل پدر، مادر و فرزندان تشکیل شده است. به عبارت دیگر، فرد عامل اساسی تشکیل خانواده است. بنابراین قبل از پرداختن به مبحث خانواده متعادل، باید ببینیم فرد مسئول، مطلوب و متعادل از دیدگاه دینی چه فردی است. به‌طور قطع اگر فردی مطلوب تربیت کرده باشیم، می‌توانیم امیدوار باشیم که خانواده‌های متعادل و مطلوب نیز داشته باشیم.

فرد مطلوب در تصویری که آموزه‌های دینی ما ارائه می‌دهند، فردی صالح است. انسان صالح ضمن آن که از ویژگی‌های اساسی انسان، یعنی اراده، اختیار، آزادی و آگاهی، برخوردار

بسم الله الرحمن الرحيم. همان‌گونه که می‌دانیم اولین تقسیم‌بندی در مورد خانواده، توسط جامعه‌شناسان صورت گرفت، مانند: خانواده شهری، خانواده روستایی، خانواده زن و شوهری نوع اول و نوع دوم، خانواده مهاجر، خانواده توسعه یافته پدری و... بعدها روان‌شناسان نیز به تقسیم‌بندی خانواده پرداختند، از جمله: خانواده متعادل و عناوینی شبیه به این، و برای آن‌ها ویژگی‌هایی را مطرح کردند. در واقع، هدف این بود که خانواده متعادل، فرزندان متعادل تربیت کند. قدامت نیز تعادل را حد وسط تعریف کرده‌اند (نه افراط و نه تفریط). علی (ع) می‌فرمایند: راست‌روی و چپ‌روی، هر دو گمراهی است و راه میانه، راه مطلوب و متعادل است. همچنین گفته می‌شود: خیر الامور اوسطها. امت پیامبر هم یک امت وسط است



است، شایسته ایفای نقش خلیفه اللهی است. فرد صالح باید در راستای خواست خالقش حرکت کند. یعنی اولاً رابطه خودش را با خودش اصلاح کند، که این امر به سلامت جسم و روان فرد بر می گردد. ثانیاً رابطه اش را با دیگران (پدر، مادر، همسر، دوستان، همسالان، همسایگان، خویشان و ...) اصلاح کند. خواست دیگری که خالق از انسان صالح دارد این است که طبیعت را بشناسد، آن را حفظ کند و بهره برداری و استفاده مناسب از آن داشته باشد. این سه رابطه در ذیل رابطه اساسی فرد با خدا معنا پیدا می کند. به عبارت دیگر، انسان شایسته ابتدا باید رابطه خودش را با خداوند اصلاح کند. یعنی فرد باید ابتدا ارتباطات معنوی خود را با خالق تقویت کند و فرایض و واجبات را انجام دهد و سپس ویژگی های خالق را در خود محقق سازد، چرا که می خواهد جانشین خدا باشد. بدین ترتیب، چنین فردی اگر خانواده تشکیل دهد، می تواند زمینه ساز یک خانواده متعادل باشد. به بیان دیگر، خانواده متعادل، خانواده ای است که افرادش، یعنی پدر، مادر و فرزندان، ارتباطات را به خوبی می شناسند و به حقوق و تکالیف خود آگاهی دارند. علاوه بر آن، سعی می کنند ویژگی هایی مانند: تفاهم، گفت و گو، مشاوره، تعاون، همکاری و... را، که سبب پایداری ساختار خانواده و تقویت ارتباطات اجتماعی مناسب می شود، بر فضای خانواده حاکم کنند.

مادر بعد از خداوند حرمت دارند. از پدران و مادران خوب، قاعدتاً فرزندان صالح حاصل می شوند. بنابراین ویژگی های خانواده مطلوب و متعادل باید نسل به نسل منتقل شود. انسان مستمر از نظر عقلی و تجربی فزونی می گیرد و دگرگون می شود. اگر پدر و مادر افرادی متعادل باشند و از والدینی متدین، صالح و مردم دوست به وجود آمده باشند، طبیعتاً این ویژگی ها را به فرزندان خود نیز منتقل می کنند. اگر خدای ناکرده پدر، فردی الکلی باشد، این امر قطعاً در تربیت فرزند او تأثیر گذار خواهد بود. مادر هم نقشی مهم در تربیت فرزندان دارد. حال سؤال این است که پدر و مادر چه کار باید بکنند تا دختر و پسرشان از شخصیتی متعادل و مطلوب برخوردار باشند؟ به عنوان مثال، ما معتقدیم که یک فرد مسلمان شایسته باید خمس بدهد. بچه ها باید از پدرشان این مطلب را بیاموزند، به این ترتیب که پدر در پایان سال مالی اش خمس مال خود را کنار بگذارد و آن را به مجتهد بدهد و فرزند او در هر سنی که هست باید شاهد این ماجرا باشد. وقتی فرزند از دوران خردسالی فهمید که مکلف به پرداخت خمس است و این را عملاً مشاهده کرد، در بزرگسالی به آن پای بند خواهد بود. به عبارت دیگر، عامل بودن پدر و مادر به اعتقادات خود، بهترین شیوه برای تربیت فرزندان محسوب می شود. اگر دختر یا پسر خردسال خانواده ببیند که وقتی اذان گفته می شود، پدر و مادر به مسجد می روند و نماز می گزارند، او هم به این کار عادت می کند و از آن لذت می برد. در یک خانواده متعادل، مطلوب و اسلامی باید فرایض دینی از قبیل نماز، روزه، خمس، زکات، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر انجام شود و فرزندان از کودکی شاهد ادای فرایض توسط پدر و مادر خود باشند.

ویژگی های خانواده متعادل

دکتر ایمانی:

روان شناسان و جامعه شناسان برای تعادل، ویژگی هایی را مطرح کرده اند. به عنوان مثال، رفتار متعادل رفتاری است که متناسب با مقتضیات زمان و هنجارین باشد. رفتار متعادل، رفتاری است که در حد وسط باشد. افراط و تفریط در امور همواره مذمت شده است. علی (ع) می فرماید: ندیدم انسان جاهل را، مگر در افراط یا تفریط. اما ویژگی های خانواده مطلوب عبارتند از:

۱- ایمان: ایمان می تواند رمز تعادل و عامل همبستگی میان اعضای خانواده باشد. پس اگر زن و شوهری با ایمان باشند می توانند خانواده ای متعادل و پایدار تشکیل دهند.

۲- همدلی و تفاهم: حاکمیت همدلی و تفاهم و رعایت اصل گفت و گو در روابط خانوادگی موجب ایجاد تعادل می شود. مولوی می فرماید:

ای بسا هندو و ترک هم زبان
ای بسا دو ترک چون بیگانگان

دکتر آمار:

خانواده در بینش اسلامی یکی از آیات بزرگ خدا محسوب می شود. در آیه ۲۱ سوره هود، وقتی خداوند از آیات تکوینی صحبت می فرماید، خانواده را به عنوان یکی از آیات الهی و یکی از مهم ترین آیات یاد می کنند. خانواده، طبیعی ترین نهاد و واحد بنیادین اجتماع است که زندگی اجتماعی از آن جا آغاز می شود. خانواده پیشینه ای به قدمت آفرینش دارد و مرکز اصلی آرامش و تعادل انسان محسوب می شود. خانواده، اصلی ترین کانون شکل گیری شخصیت انسان هاست و اولین وسیله انتقال مناسب فرهنگ هم به شمار می آید. اهمیت خانواده تا بدان جاست که قرآن کریم هدایت جامعه را از افراد خانواده شروع می کند، چرا که افراد جامعه در خانواده تربیت می شوند.

دکتر آموزگار:

ما می خواهیم خانواده اسلامی را بشناسیم. در اسلام، پدر و

پس زبانا همدلی خود دیگر است
 همدلی از هم زبانی خوشتر است
۳- محبت: مایه برودت است با دین چیزی غیر از محبت
 است! پس به محبت و مهربانی در خانواده توجه کنیم. چرا که:

با محبت توان به دریا رفت
 کوهها را شکست و هر جا رفت

ولی قطعه افراط در محبت هم مذمت شده است. امام
 هفتم (ع) می فرماید: بدترین پندرها کسانی اند که در طریق محبت
 به فرزندانشان، راه افراط را طی کنند؛ لذا می گویند:

بیوسته در نیاز و نعم باید آن پسر
 کو را پدر به ناز و نعم پروریده است
 آسان کشد به ساحل مقصود رخت بخت
 آن ناخدا که سختی دریا کشیده است

۴- احترام: در یک خانواده متعادل، افراد احترام همدیگر
 را حفظ می کنند. ویرجینیا استیر می گویند: یکی از ویژگی های
 خانواده بالنده، ارزش خود است. به عبارت دیگر، ارزش خود
 در خانواده متعادل بالاست. امام صادق (ع) می فرماید: دیگران
 را نیکو مورد خطاب قرار دهید تا نیکو جواب بشنوید. قرآن نیز
 می فرماید: عفت از آن خرد و مسئول و مؤمنین است و ما از
 طریق عبادت می توانیم به عزت برسیم.

۵- خود را به جای دیگری گذاشتن: در خانواده می توانیم
 خودمان را در جای دیگری قرار دهیم. علی (ع) به امام حسن
 (ع) می فرماید: در هر چیزی که در دنیا است، خودت را میزان قرار
 بده. هر چیزی که از میزان خودت بزرگتر است، برای دیگران هم
 مخیر است.

هرس باشد که به خود نمی پسندی
 با کس مکن ای برادر من
۶- اعتماد به یکدیگر: در یک خانواده متعادل، اعضای خانواده
 به یکدیگر اعتماد دارند.

۷- قوانین متغیر: خانم منیر می گویند خانواده متعادل دارای
 قواعد متغیر است. قوانین خانواده نیز مانند قوانین کشوری نیاز
 به تغییر و بازنگری دارد.

**۸- از تسلط از تسلطات خانواده، از تباضات غیر رسمی،
 صمیمانه و بی رویه است. یک عامل مهم در برقراری روابط
 میان اعضای خانواده، دادن پیام های یک سطحی است. به عبارت
 دیگر، حالات چهارده بدن و آهنگ کاره ما باید هماهنگ باشد.
 وقتی مسأله ای به فرزندش می گویند: من تو را دوست دارم و
 چهره اش نیز خندان است. فرزند این محبت را باور می کند. ولی
 پیام دو سطحی وقتی است که مثلا پدر انجم کرده، به فرزندش
 می گویند تو را دوست دارم. چاره این دوست داشتن را باور
 نمی کند.**

۹- همکاری: بر اساس تعریف سیستم می گویند: سیستم،

مجموعه ای از اجزاست که به صورت هماهنگ
 برای دست یافتن به هدفی واحد تلاش می کنند.
 خانواده هم یک سیستم اجتماعی است. پس
 باید بین اعضای آن همکاری وجود داشته باشد
 و پدر و مادر و فرزندان برای دستیابی به هدف
 مشترک تلاش کنند.

۱۰- سازگاری: وقتی رابطه بین دو فرد یا دو
 گروه به گونه ای شکل می گیرد که باعث رضایت
 طرفین می شود، به آن سازگاری می گویند.

۱۱- توافق: یکی دیگر از ویژگی های
 خانواده متعادل است. وقتی فرد روی بخشی
 از خواست هایش پا می گذارد و طرف مقابل هم
 از برخی توقعاتش چشم می پوشد تا به نقطه
 مشترکی برسند، به آن توافق می گویند.

۱۲- آشنا بودن با روش حل مسئله: روش
 حل مسئله، یکی از روش هایی است که در
 خانواده متعادل برای حل مشکلات از آن استفاده
 می شود.

۱۳- دید و بازدید فامیلی: یکی از رمزهای
 سلامت، تعادل و بهداشت روانی خانواده، دید
 و بازدید فامیلی است. مرحوم علامه طباطبایی
 حدیثی از امام چهارم (ع) نقل می کنند که مضمون
 آن چنین است: به دید و بازدید فامیلی بروید،
 خداوند بر میزان عمر شما می افزاید.

دکتر کشاورز:

خانواده متعادل، خانواده ای است که افراد
 تشکیل دهنده آن (پدر، مادر، فرزندان، پدر
 بزرگ، مادر بزرگ و ...) در انجام اعمال فردی و اجتماعی شان
 سعی می کنند رفتاری بهینه داشته باشند. اگر خانواده های متدین
 ما دقتی در متون دینی داشته باشند، ملاحظه می کنند که در
 مورد تک تک اعمال فردی و اجتماعی ما توصیه های اکید وجود
 دارد. بنابراین مطالعه سیره پیامبران و ائمه (ع) می تواند خط مشی
 اساسی برای تشکیل یک خانواده متعادل باشد. به عبارت دیگر،
 ویژگی های خانواده متعادل در متن آموزه های دینی ما به صورت
 توصیه های اساسی وجود دارد. بنابراین از جمله وظایف و
 تکالیف اساسی کسانی که می خواهند به تشکیل خانواده اقدام
 کنند، مطالعه متن آموزه های دینی و عمل به آنهاست تا بدین
 ترتیب خانواده متعادل شکل بگیرد.

دکتر آمار:

در مورد اهمیت عدل و تعادل در روایت داریم که بالعدل
 قامت السموات و الارض. جهان آفرینش براساس عدل استوار
 است و هدف بعثت انبیا و نزول آیات آسمانی همین اقامه عدل
 است. در قرآن کریم آمده است: لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا



مجلس سومین جشنواره

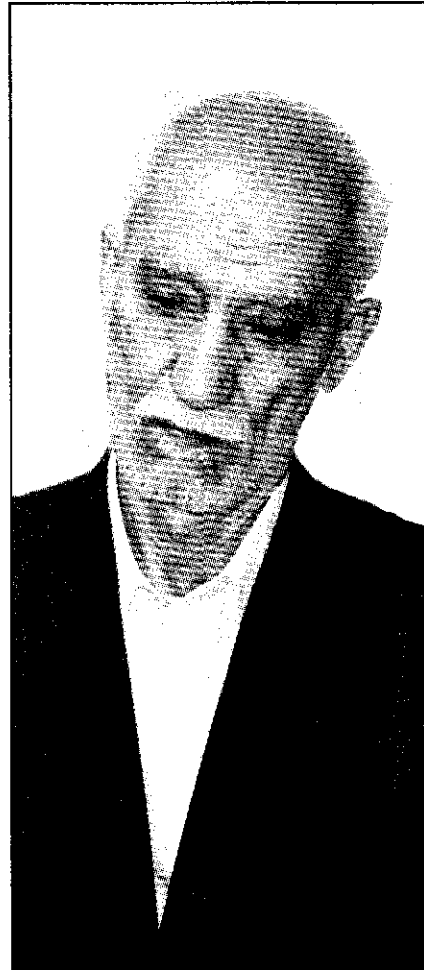
۲۳

پژوهش

نشریه ماهانه آموزشی - تربیتی

دی ۱۳۸۶

شماره ۳۳۹



دکتر حسین امینی کلب

معهم الكتاب و الميزان ليقوم الناس بالقسط. همه هدف ارسال رسل و انزال کتب، اقامه قسط و عدل است، اما قرار نیست اقامه قسط و عدل به وسیله انبیا و امدادهای غیبی صورت بگیرد. ليقوم الناس بالقسط. مردم باید برای برقراری قسط قیام کنند و یقیناً یکی از مهم‌ترین مخاطبان این آیه شریفه، خانواده‌ها هستند که زیر بنای اجتماع را تشکیل می‌دهند. در روایات دینی، هدف اصلی قیام حضرت مهدی (عج) نیز اقامه عدل و قسط بیان شده است. حال اگر خانواده‌ها در جهت اقامه قسط و عدل حرکت کنند، این به معنای انتظار مثبت است. در حقیقت خانواده‌ها تلاش می‌کنند عدل را در محدوده‌ای که در اختیار دارند، محقق کنند.

اما در مورد اهمیت خانواده متعادل باید عرض کنم همان‌طور که آیت‌الله جوادی آملی فرموده‌اند: تزلزل و ویرانی خانواده، پیش‌سریزه تزلزل در جامعه و فروپاشی آن است. یعنی اگر خانواده متزلزل باشد و تعادل خود را حفظ نکند، این امر به ویرانی جامعه منجر خواهد شد. ویژگی‌های خانواده متعادل را می‌توان در چند محور زیر خلاصه کرد:

۱- تعادل اعتقادی: به این معنی که انسان موجودی دو بُعدی است، یعنی باید میان نیازهای مادی و معنوی اعضای خانواده تعادل برقرار شود. در متون دینی هم، همان‌قدر که به دنیا سفارش شده، در مورد آخرت هم سفارش شده است.

۲- تعادل منطقی و عاطفه: مرد، نماد عقلانیت و زن، نماد عاطفه است و ترکیب این دو در واقع تعادل منطقی و عاطفه را ایجاد می‌کند. اگر روابط خانوادگی فقط در قالب عقلانی خلاصه شود، روابطی خشک خواهد بود و اگر براساس عاطفه صرف باشد، خانواده نمی‌تواند ثبات و تعادل لازم را حفظ کند. پس حاکمیت منطقی و عاطفه، متناسب با شرایط، لازم است.

۳- تعادل اجتماعی: هر چه در جامعه می‌گذرد بر خانواده اثر می‌گذارد و هر چه در خانواده روی می‌دهد، بازتاب اجتماعی خواهد داشت. بنابراین باید بین مسائل درون و بیرون خانواده ارتباط و تعادل برقرار شود.

۴- تعادل اقتصادی: باید بین امکانات و انتظارات، خواست‌ها و توانمندی‌ها و دخل و خرج خود تعادل برقرار کنیم. در آموزه‌های دینی به پرهیز از اسراف و تبذیر بسیار سفارش شده است. در مورد اتفاق نیز قرآن کریم می‌فرماید: نه آن چنان دست را گشاده کن که هر آن چه داری ببخشی و نه آن قدر دست را محکم بگیر که هیچ چیزی از آن چه داری به دیگران

نرسد. تعادل اقتصادی یکی از مسائل بسیار مهم در پایداری خانواده متعادل است.

۵- تعادل فرهنگی: تعادل بین گفتار و رفتار است. یعنی باید سعی کنیم به آنچه می‌گوییم عمل کنیم. هم‌چنین میان حقوق و تکالیف نیز باید تعادل برقرار باشد. حضرت علی (ع) می‌فرماید: کسی نیست که حقی بر عهده‌اش و تکلیفی بر گردنش نباشد. تعادل میان حقوق و تکالیف به حفظ تعادل خانواده کمک می‌کند.

دکتر آموزگار:

برای تشکیل خانواده متعادل، پدر و مادر و فرزندان باید افرادی متعادل باشند. اخلاقیات پدر، نگاه کردن، گوش دادن و حرف زدن او و ... نمود بیرونی دارند و در تعادل خانواده مؤثرند. رفتار مادر نیز نقشی بسیار تأثیرگذار در خانواده متعادل دارد. فرزندان هم، که از پدر و مادر خود تأثیر می‌پذیرند، متقابلاً در شکل‌گیری و حفظ خانواده متعادل ایفای نقش می‌کنند. اگر بخواهیم خانواده متعادل را در بینش اسلامی ترسیم کنیم، خانواده متعادل، خانواده‌ای است که به خدا، رسول، امامت، قیامت و ... ایمان داشته باشد. آن چنان که از علما و معلمین شنیده‌ایم، محور خانواده متعادل، اخلاق است. ارکان اخلاق نیز راستگویی، وفای به عهد، عدالت و ... است. بنابراین، اعضای خانواده باید به اخلاقیات پای‌بند باشند تا خانواده‌ای متعادل شکل بگیرد.

ویژگی‌های مدرسه مطلوب و موفق

دکتر ایمانی:

ویژگی‌های مدرسه مطلوب فراوان است. از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- فضای مدرسه: فضای مدرسه باید برای بچه‌ها دلپذیر و دلجذب باشد. بنابراین می‌توان از درخت و گل و گیاه برای زیباسازی مدرسه استفاده کرد. هم‌چنین فضای مدرسه باید به دور از صداهای مزاحم باشد، چرا که صداهای مزاحم (صدای اتومبیل و غیره) یکی از عوامل مخمل یادگیری دانش‌آموزان است.

۲- مدیریت مطلوب: اگر مدیریتی اثربخش بر مدرسه حاکم باشد، می‌تواند کارایی آن را به حداکثر برساند. یکی از ویژگی‌های مدیریت اثربخش در مدارس، برقراری روابط انسانی میان کارکنان مدرسه است که این امر می‌تواند بچه‌ها را نیز تحت تأثیر قرار دهد. معلمان در مدرسه مطلوب اهل محبت‌اند. لذا می‌گویند:

درس معلم از بود زمزمه محبتی

جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را

معلم باید کشتی ایجاد کند که بچه‌ها با اشتیاق به مدرسه بروند.

۳- پیشرفت تحصیلی: ویژگی دیگر مدرسه مطلوب این

است که دانش‌آموزان در آن به پیشرفت علمی دست پیدا کنند. بالا بروند و به اخلاق و تربیت نیکو آراسته شوند.

ماز بالا ییم و بالا می‌رویم ماز دریاییم و دریا می‌رویم

۴- احساس رضایت‌مندی: اگر می‌خواهیم شاهد فرار دانش‌آموزان از مدرسه نباشیم، باید مدارس ما به لحاظ فیزیکی، روابط انسانی، معلم، محتوای آموزشی و اهداف آموزشی مطلوب باشند تا بچه‌ها احساس رضایت کنند. در این صورت است که اعتماد به نفس، عزت نفس و خودپنداره مثبت در دانش‌آموزان تقویت می‌شود و آنان می‌توانند به سلامت اخلاقی، کمالات معنوی و بهداشت روانی و جسمانی نایل شوند.

دکتر کشاورز:

بحث درباره ویژگی‌های مدرسه مطلوب امری تخصصی است. از آن جا که مدرسه از عناصر مختلف مانند معلم، دانش‌آموز، فضای آموزشی، روش‌های یادگیری و تدریس، مدیریت و ... تشکیل شده است.

یک مدرسه در صورتی مطلوب خواهد بود که عناصر و مؤلفه‌های تشکیل دهنده آن براساس موازین استاندارد، مطلوب باشند. پس هر یک از این عناصر باید مورد بررسی و بحث قرار گیرند. اما در چهارچوب بحث خانواده متعادل می‌توان گفت: مدرسه مطلوب، مدرسه‌ای است که

تکمیل‌کننده نقش خانواده باشد. به بیان دیگر، مدرسه مطلوب، مدرسه‌ای است که مکمل نقش خانواده در تربیت جسمانی، عاطفی، عقلانی، اجتماعی و معنوی دانش‌آموزان باشد. به عنوان مثال، در تربیت جسمانی، مدرسه می‌تواند با جدای گرفتن زنگ ورزش، نقش خود را ایفا کند. هم چنین اولیای مدرسه با برقراری رابطه‌ای محبت‌آمیز با دانش‌آموزان می‌توانند در رشد عاطفی آنان تأثیرگذار باشند. از آن جا که تربیت امری کاملاً کاربردی و عملی است و الگوپذیری در آن بسیار نقش دارد، کارکنان مدرسه به عنوان الگوهای مثبت می‌توانند در برطرف کردن ضعف‌های اخلاقی و رفتاری دانش‌آموزان اثرگذار باشند. در بُعد عقلانی، یعنی تقویت خردورزی در دانش‌آموزان نیز مدرسه مطلوب می‌تواند مؤثر باشد. به طور کلی مدرسه مطلوب مدرسه‌ای است که در کنار خانواده به تقویت ارتباطات اجتماعی و معنوی دانش‌آموزان همت بگمارد.

دکتر آمار:

با توجه به ابعاد مختلف فعالیت یک مدرسه، یقیناً مسئولیت زمانی حاصل می‌شود که تعادل در همه فعالیت‌های مدرسه

مشاهده شود. مدیر یک مدرسه زمانی می‌تواند مدرسه مطلوب ایجاد کند که کارها را از طریق مدیریت مشارکتی پیش ببرد، یعنی از توانمندی‌های همه کسانی که در امر آموزش و پرورش دخیل‌اند، استفاده کند.

معلم، که در ایجاد مدرسه مطلوب نقشی بسیار مهم دارد، باید عاشق کارش باشد و برای رفع تکلیف کار نکند. باید از صلاحیت علمی و رفتاری لازم برخوردار باشد. زیرا در غیر این صورت تأثیرگذاری بر دانش‌آموزان صورت نمی‌گیرد. نکته دیگر این که اطلاعات و دانش معلم باید به روز باشد تا بتواند در صورت طرح مسائل جدید توسط دانش‌آموزان، به آن‌ها پاسخ دهد. برقراری ارتباط رضایت‌بخش با والدین یکی دیگر از وظایفی است که معلم در مدرسه مطلوب بر عهده دارد.

در یک مدرسه مطلوب، دانش‌آموز باید در امر یادگیری فعال باشد و فقط نقش پذیرندگی نداشته باشد. امروزه نظریه‌ای به نام یادگیری برای یادگیری وجود دارد. یعنی دانش‌آموز باید یاد بگیرد که چگونه یاد بگیرد.

فضای مدرسه مطلوب باید زیبا، پاکیزه و آرامش‌بخش باشد، زیرا این عوامل بر روح و روان دانش‌آموزان تأثیرگذار است. همچنین امکانات و تجهیزات آموزشی لازم مانند فناوری‌های جدید باید در مدرسه مطلوب موجود باشد. این امر موجب علاقه‌مندی هر چه بیشتر بچه‌ها به مدرسه می‌شود.



در نظام آموزشی حاکم بر مدرسه نیز باید به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان توجه شود. مدرسه باید دارای برنامه برای فعالیت‌های مختلف خود باشد و برنامه‌هایی نیز برای حفظ نشاط و شادابی بچه‌ها در نظر گرفته شود. همچنین، احترام و دوستی میان اولیای مدرسه برقرار باشد و همه عوامل در خدمت فرایند یادگیری قرار گیرند.

دکتر آموزگار:

در مدرسه مطلوب، همه عوامل از جمله مدیر، ناظم، معلم، مستخدم، ایزار و ادوات تحصیل و ... در تربیت و آموزش بچه‌ها نقش دارند. به عنوان مثال، مدیر مدرسه باید پیش از همه در مدرسه حاضر بوده، با بچه‌ها حشر و نشر داشته باشد تا بتواند بر آن‌ها تأثیر بگذارد. مراسم صبحگاهی و نحوه قرآن خواندن و احترام به کتاب خدا نیز بر دانش‌آموزان اثرگذار است. در مدرسه مطلوب باید نسبت به اقامه نماز و صحیح خواندن قرآن اهتمام شود. کانون اصلی تربیت، دبستان است. اگر بچه‌ها در دوره دبستان خوب یاد بگیرند، در دوره راهنمایی کنترل نفس خواهند داشت و خودنگه‌دار خواهند بود. تأثیر معلمان از لحاظ اخلاقی



دکتر ایمانی

نیز بسیار اهمیت دارد. چه بسا یک معلم ورزش بیش تر از معلم ریاضی و فیزیک تأثیرگذار باشد. وقتی که یک معلم کارش را با بسم الله الرحمن الرحیم آغاز کند و آن را با یک صلوات به پایان برساند، این امر به آموزش معارف دینی کمک می کند. بچه ها عاطفی اند، پرنرژی اند، اطاعت می کنند و قابلیت آن را دارند که رفتار صحیح را از معلمانشان بیاموزند. حضرت علی (ع) در خطبه همام در نهج البلاغه، در وصف متقین، ۱۰۳ صفت را بر شمرده اند. این ها را می شود عیناً به بچه ها گفت و به آن ها آموزش داد تا فردی متقی و پرهیزگار بار بیایند. بچه ها زود دین دار می شوند، به شرط آن که مدیر، معلم و خانواده شان در ایام کودکی آن ها را با معارف دینی آشنا کنند.

چگونگی ارتباط میان خانواده متعادل و مدرسه مطلوب

دکتر ایمانی:

رابطه میان خانواده متعادل و مدرسه مطلوب، رابطه ای دوسویه است. یعنی در بسیاری از اوقات دانش آموزان مشکلاتی دارند که پدران و مادران از آن آگاه نیستند، ولی وقتی به مدرسه مراجعه می کنند و با اولیای مدرسه به گفت و گو می نشینند، به مشکلات فرزند خود پی می برند و با همکاری مشاور مدرسه درصدد رفع و حل آن ها بر می آیند. زمانی نیز والدین اطلاعاتی را درباره فرزندشان در اختیار مسئولان مدرسه قرار می دهند که می تواند در حل مشکلات دانش آموز مؤثر باشد. به همین دلیل توصیه می شود که اولیای مدرسه به اطلاعاتی که والدین در ارتباط با فرزندشان در اختیار مدرسه قرار می دهند توجه جدی داشته باشند. به طور کلی وقتی والدین با مدرسه در تماس اند، میزان پیشرفت تحصیلی بچه ها بیش تر است و کم تر دچار اختلالات روانی می شوند و اگر هم دانش آموزی دچار اختلال شود، با کمک خانه و مدرسه بهتر درمان می گردد. پس رابطه خانه و مدرسه امری ضروری است و یکی از برکات انقلاب اسلامی این است که والدین بیش از پیش در جلسات انجمن اولیا و مربیان شرکت می کنند و به حضور در مدرسه مشتاق اند. اما نکته ای که باید به آن توجه داشته باشیم این است که در جلسات انجمن اولیا و مربیان، هم اولیا باید حضور داشته باشند و هم معلمان. زیرا در این جلسات ممکن است والدین سؤالاتی داشته باشند که معلمان بتوانند بسیار بهتر از مدیر مدرسه یا سخنران جلسه به آن ها پاسخ دهند. تعامل میان والدین و مربیان می تواند به سلامت جسمی و روانی و پیشرفت

تحصیلی دانش آموزان کمک کند. اعضای انجمن های اولیا و مربیان می توانند باورن مدیر مدرسه باشند و در امور فرهنگی، علمی و اخلاقی وی را یاری برسانند. البته کیفیت ارتباط میان اولیا و مربیان نیز مهم است. یعنی والدین باید به گونه ای با معنم فرزندشان برخورد کنند که موجب دلگرمی او شود و معلمان نیز راه کارهایی به والدین ارائه دهند که باعث موفقیت آن ها در امر پرورش فرزندانشان گردد. بنابراین، برای این که مرجعیت معلمان حفظ شود، باید مستند سخن بگویند.

دکتر کشاورز:

برای این که مدرسه بتواند تکمیل کننده نقش خانواده باشد، باید میان این دو نهاد ارتباط برقرار شود و این ارتباط تقویت و تحکیم گردد. همان طور که گفته شد معلم اول خداوند است و بعد از خداوند، این نقش را پیامبران، امامان، پدران، مادران و معلمان به عهده دارند. بنابراین اگر نگاه خانواده ها در این جهت تقویت شود که توجه به مدرسه، همکاری با مدرسه و ارائه کمک های اساسی در زمینه اخلاقی، اقتصادی و تربیتی به مدرسه، در راستای نقش خلیفه گری شان است؛ بسیاری از مشکلاتی که در حال حاضر در مورد برقراری ارتباط میان خانه و مدرسه وجود دارد، از بین خواهد رفت و دیگر نیازی نیست که پدر و مادر به اجبار و با اکراه به مدرسه بیایند و حتی ارائه کمک های مالی به مدرسه را با طیب خاطر و رضایت دل انجام می دهند، چرا که معتقدند توسط خداوند به این کار امر شده اند. رسانه های جمعی نیز در آگاهی بخشی به خانواده ها در مورد جایگاه و نقش اساسی شان در امر تربیت، تأثیر گذارند. در واقع باید بدانیم که در دیدگاه اسلامی، امر تربیت، رسالت نهایی آموزش و پرورش و دولت نیست، بلکه خانواده به عنوان اولین رکن، نقش تعیین کننده دارد و مدرسه و دولت تکمیل کننده نقش خانواده اند. بنابراین دو نهاد خانه و مدرسه باید همراه هم باشند. البته مدرسه باید ویژگی هایی داشته باشد تا بتواند نقش مکمل خود را به خوبی ایفا کند. به عنوان مثال، با همکاری انجمن اولیا و مربیان باید زمینه مشارکت، گفت و گو، تقوا، ارتباطات عاطفی مثبت و ... در مدرسه ایجاد شود و کرامت خانواده حفظ گردد. به عبارت دیگر، اولیای مدرسه باید با این دید به خانواده ها نگاه کنند که آنها مکلف و موظف به تربیت فرزندانشان اند و بدون همکاری و همفکری آنان مدرسه قادر نیست نقش تکمیل کننده خود را به خوبی انجام دهد. در واقع برای برقراری ارتباط سازنده و مؤثر میان خانه و مدرسه، آگاهی بخشی به هر دوی این ها ضروری است. یعنی از یک سو خانواده بدانند که برای تحقق امر تربیت باید با مدرسه تعامل مناسب داشته باشد و از سوی دیگر مدرسه نیز زمینه ها و بسترهای لازم را در جهت تقویت و تحکیم ارتباط سالم و خوشایند میان خانه و مدرسه، فراهم کند.